فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۴۰-۲۳۳ New Period, No 17, 2019, P 233-240
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بازتاب پیامدهای تقابل سنت و مدرنیته در اشعار محمد مفتاح الفیتوری

علیرضا آهن کار
کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران. تهران. ایران
Alirezaahankar93@gmail.com

چکیده

تقابل سنت و مدرنیته، افکار و آثار بسیاری از شاعران معاصر را تحت تأثیر خود قرار داده است. این مهم در بین شاعران معاصر عرب زبان نیز به چشم می‌خورد. محمد الفیتوری، شاعر برجسته سودانی که خود از نژاد سیاه‌پوستان است، رنج و مشقت زندگی سیاه‌پوستان افریقا و انسان عصر کنونی را در آثار خود به تصویر می کشد.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی جلوه‌های رویارویی سنت و مدرنیته در اشعار فیتوری است که این امر به روش نقد جامعه‌شناختی همراه با توصیف و تحلیل محتوای برخی از اشعار مرتبط با موضوع صورت پذیرفته‌است.

آثار فیتوری که سرشار از بن‌مایه‌های پایداری است، تقابل سنت و مدرنیته و به طور خاص، غربت، بحران هویت، آرمانشهر و ضدآرمانشهر را نیز در خود دارد. شاعر به جهت تعصب نسبت به نژاد و اصالت خود، با زبانی تند و گزنده کسانی را که به تبعیض نژادی دامن می‌زنند، زیر سؤال می‌بَرَد.

فیتوری با لمس همه نابرابری‌ها در جامعه خویش و ناتوانی در رفع آن‌ها به تنهایی، احساس غربت می کند؛ در برخی از ابیاتش، ناامیدی از وضعیت سیاسی و اجتماعی موجود در کشورش، نوعی تردید نسبت به شأن و منزلتِ نژادش را در هموطنانش ایجاد کرده است که این مسأله تحت عنوان بحران هویت قابل بحث است. آرمانشهرش جایی است که دیگر رنگ پوست، معیار سنجش ارزش‌های انسانی نباشد و حاکمانی کاردان در رأس امور باشند.

واژه‌های کلیدی: سنت، مدرنیته، غربت، بحران هویت، آرمانشهر، محمد مفتاح الفیتوری

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

مقدمه پژوهش

برقراری عدالت و مساوات که از گذشته‌های دور از آرمان‌های افراد هر جامعه‌ای بوده است، اکنون در جهان مدرن، با صدایی رساتر و اقداماتی جدی‌تر از قبل مطرح می‌شود و تغییر و دگرگونی در سنت و ساختار جوامع جهان سوم جهت مبارزه با تبعیض و نابرابری بیش از پیش مورد توجه است.

«با نگاهی به مدرنیسم و مؤلفه‌های معنایی آن می‌توان گفت مفهوم «تغییر» از مؤلفه‌های بنیادین آن است و تقابل معنایی میان سنت و مدرنیسم و مدرن و سنتی، بیانگر مفهوم «تغییر» است. مسأله تغییر فراتر از تغییرات جزئی و مقطعی است و از آن به مقوله کلان‌تری به نام تغییرات اجتماعی نیز تعبیر می‌شود. » (سیدی، ۱۳۹۴: ۱۱)

«چیزی که گوهر مدرنیته را تشکیل می‌دهد، یک نوع خاصی از عقلانیت است که به آن عقلانیت انتقادی می‌گویند. البته دوران سنت هم مبتنی بر عقلانیت است، ولی عقلانیت آن دو تفاوت گوهری با یکدیگر دارد. حداکثر کاری که از عقلانیت سنتی برمی‌آید، عقل تفسیری است. در دوران مدرن صحبت بر سر تغییر است و این عقل «خود بنیاد» می‌خواهد در کل نظام عالم تغییر ایجاد کند.» (گنجی، ۱۳۸۲، بازتاب اندیشه : شماره ۳۸)

از مباحث مهمی که تحت عنوان تقابل سنت و مدرنیته شکل می‌گیرد، آرمانشهر است. آرمانشهر که از آن با عناوینی چون ناکجا آباد یا مدینه فاضله یاد می‌شود، شهری خیالی است که مردم در کمال سعادت در آن‌جا روزگار می‌گذرانند. نیل به چنین جایی از قدیمی‌ترین دغدغه‌های ذهن بشر است. قدیمی‌ترین اثر در زمینه آرمانشهر، کتاب «جمهور» افلاطون است. در نگاه افلاطون مدینه فاضله یا همان آرمانشهر، جایی است که مردم و حکومت آن به بالاترین درجه کمال رسیده باشند. (به نقل از صادقی شهپر، ۱۳۷۸: ۱۲۰)

به نظر چادوک «در قرن نوزدهم به دلیل افول ایمان مسیحی و جستجوی راه‌هایی برای گریز از رنج و ناکامی‌های دنیای واقعیت، این تفکر به وجود آمد که دستیابی به جهان آرمانی نه از طریق دین و عرفان، بلکه به وسیله شعر ممکن است.» (همان)

بنابرین آرمانشهر در قدیم با نگرشی دینی و عرفانی مطرح شده و به رشته تحریر و نثر درآمده است. با اینکه از نگاه ادیبان و متفکران قدیم، تحقق آرمانشهر در دنیا تقریباً محال به نظر می‌رسید اما آن‌ها به این مهم اعتقاد داشتند که در دنیایی دیگر و بهشت برین بدان خواهند رسید. «ارم ذات العماد» نمونه بارز چنین تفکری است. (همان)

با وجود این، در مدرنیته، ساختار آرمانشهر بسته به پدیده‌های جدید، در تغییر است و ادبا، به طور خاص در قالب شعر، به جهت گریز از حوادث ناگوار زمانه به آن متوسل می‌شوند و دیگر تنها بن‌مایه دینی در این خصوص مد نظر نیست. اگر ادبا در قدیم آرمانشهر را با افق دید خود مدنظر داشتند، امروز با ظهور تکنولوژی‌های جدید، با وسعت دید بیشتر و اِعمال سلیقه‌های متنوع‌تری، در پی چنین مفهومی هستند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

طبعاً هر آن‌چه مفهوم آرمانشهر را – چه در نگاه قدیم و چه جدید – زیر سؤال ببرد، به چالش‌ها و معضلات اجتماعی دامن بزند و نابرابری‌ها را در جامعه ایجاد کند، ضد آرمانشهر تلقی می‌شود.

تغییر ساختاری عصر مدرن با تغییر چشم اندازهای فرهنگی، طبقه، جنسیت، قومیت، نژاد و ملیت که پیش‌تر از این پناهگاه محکمی برای هویت محسوب می‌شدند، جایگاه و هویت افراد را تغییر داده و در هم می‌ریزند. این تغییرات در حال تغییر دادن هویت شخصی ما، سست کردن درک ما از خودمان به عنوان سوژه‌های یکپارچه هستند. این همان چیزی است که از آن به عنوان سوژه مرکززدایی نام برده می‌شود که به بحران هویت تعبیر می‌شود. (هال، ۱۹۹۶ : ۱۱۲)

محمد مفتاح الفیتوری، شاعر سودانی با چهره سیاه و زنگی‌وار است که رنج و حرمان نژاد سیاه و مشکل انسان رنجدیده عصر ما را در بیانی صمیمی و مؤثر مطرح کرده. در کنار بیان مضامین پایداری و به طور خاص مبارزه با تبعیض‌های میان سیاه‌پوستان و سفیدپوستان، آثار رومانتیک و عاشقانه نیز دارد. الفیتوری بن‌مایه‌های مدرنیته را در آرمانشهر خود مدنظر قرار داده است تا سوار بر امواج خیال، اندکی از آلام خود بکاهد.

پیشینه پژوهش

درباره مضامین آثار محمد الفیتوری پژوهش‌هایی صورت گرفته که بیشتر آن‌ها در خصوص مضامین پایداری بوده است و بخش اندکی نیز به بن‌مایه‌های رومانتیک و یا فنّ ایقاع در اشعار او اختصاص می‌یابد. آقای شفیعی کدکنی در کتاب شعر معاصر عربی شاعر مذکور را معرفی و پاره‌ای از ابیات وی را عرضه داشته‌است. از مقالاتی که آثار الفیتوری را بررسی کرده‌است می‌توان به مقاله «محمد الفیتوری مِن الیأس و العزلة إلی الوعی الذاتی و الدّعوة إلی التّحرّر» اثر آقایان سلیمی و امرایی در مجله زبان و ادبیات عربی، «کاوشی بر بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمد الفیتوری» اثر آقایان سلیمانی، کریمی فرد، داروندی و شیرزادی در پایگاه استنادی سیویلیکا اشاره کرد. اما در موضوع مورد نظر، هیچ پژوهشی صورت نگرفته و موضوعی بکر است.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی – تحلیلی است. برای هر یک از تعاریف و مفاهیم، مصادیقی آورده شده و مورد نقد جامعه‌شناختی از منظر تقابل سنت و مدرنیته قرار گرفته است. سه موضوعِ غربت‌زدگی، بحران هویت، آرمانشهر و ضدآرمانشهر در هر یک از بخش‌ها، مطرح است.

سؤالات پژوهش

۱. محمد الفیتوری چه نظری نسبت به تقابل سنت و مدرنیته دارد؟

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

۲. مسأله بحران هویت تا چه حد در آثار الفیتوری قابل مشاهده و بررسی است؟
۳. تبعیض میان نژادهای مختلف در افریقا، غربت‌زدگی و تحقق آرمانشهر در نگاه الفیتوری چگونه است؟

ضرورت پژوهش

پیامدهای تقابل سنت و مدرنیته بر آثار بسیاری از ادبای جهان تأثیرگذار بوده است. با توجه به ارتباط شاعران عرب زبان با غرب و ادبیاتش، این موضوع در ادبیات معاصر عربی نیز ورود کرده است. محمد مفتاح الفیتوری در جریان پرداختن به شاخصه‌های پایداری و فغانِ تبعیض نژاد در افریقا، متأثر از پیامدهای مواجهه سنت و مدرنیته است و آن را در آثار خود منعکس می‌کند و پژوهش حاضر این مهم را مد نظر دارد.

بررسی پیامدهای تقابل سنت و مدرنیته در اشعار الفیتوری

۱. بحران هویت

جوامعی که در گذشته وجود داشته، جوامع سنتی بوده است. جوامعی که امروز وجود دارند، دو دسته هستند: مدرن و در حال گذار. جوامع در حال گذار جوامعی هستند که بخشی از آن‌ها مدرن و بخشی سنتی است. این جوامع به مرور با مدرنیزاسیون به سوی مدرمیته پیش می‌روند و معمولاً با بحران دست به گریبان هستند؛ به ویژه بحران هویت. (گنجی، ۱۳۸۲ : شماره ۳۸)

«افرادی که قادر به یافتن ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خویش نباشند، ایده آل هایشان فروپاشیده و به در هم ریختگی هویت دچار می‌شوند. در این حالت افراد نه می‌توانند ارزش‌های خود را ارزیابی کنند و نه صاحب ارزش‌هایی می‌شوند که به کمک آن‌ها بتوانند آزادانه برای آینده طرح‌ریزی نمایند.» (شرفی، ۱۳۸۰ : ۲۰)

۱-۲. نمونه اول

در مصرع زیر از شعر «تحت الأمطار» (زیر باران‌ها)، الفیتوری، ارابه‌رانِ سیاه پوست و رنجدیده‌ای را به تصویر می‌کشد که از شرم سیه‌چردگی‌اش زیرپوش خود را بر صورت بیمارگونه می‌کشد. طبق مصرع پایین، خودِ سیاه پوستان در اصالت و هویتشان شأن و منزلتی نمی‌بینند و پذیرفته‌اند که جایگاهشان در جامعه، محلی از اعراب ندارد.

«غَیرَ أنَّ السّائقَ الأسودَ ذا الوَجهِ النَّحیل / جَذَبَ المَعطَفَ فی یأسٍ / علی الوَجهِ العَلیل» (الفیتوری، ۱۹: الأعمال الشّعریَّة)

«اما ارابه‌رانِ سیاه پوستِ لاغر اندام و تکیده / نومیدوار زیرپوش را می‌کشید / بر صورتِ بیمارگونه»

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

۱-۳. نمونه دوم

در ابیات زیر نیز فیتوری این بار با نیش و کنایه و پارادوکس، تمام هویت تمدن میهنش، به ویژه زنگیانِ سیاه پوست، را زیر سؤال می‌بَرَد تا وخامت اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورش را اینگونه عرضه کند:

«لَقَد صَبَغوا وَجهَکَ العربیّ / آه. . یا وطنی / لَکَأنَّکَ، وَ المَوتَ وَ الضَّحکاتِ الدَّمیمَةَ / حَولَکَ، لَم تتشَح بِالحَضارَةِ یوماً / وَ لَم تَلِد الشَّمسَ وَ الأنبیاءَ» (الفیتوری، ۱۹ : الأعمال الشعریَّة)

«چهره عربی‌ات را، رنگ زدند / آه. . ای وطن من / با این مرگ و خنده‌های زشتی که / تو را در حصار خویش قرار داده‌اند / گویی هیچ‌گاه ردای تمدن بر شانه نداشته‌ای / و هیچ‌گاه خورشید و پیامبران را نزاده‌ای»

۲. غربت‌زدگی در مبارزه با سیاست‌های تبعیض نژادی در جهان امروز

۲-۱. تاریخچه تبعیض نژادی

واژه آپارتاید به معنای جدایی و تفکیک می‌باشد و در اصطلاح با تبعیض نژادی و نژادپرستی مترادف شده است. گرچه اِعمال سیاست‌های تبعیض نژادی از دوره آغاز استعمار و به ویژه از قرن هفدهم شکل گرفته و نقاط گسترده‌ای را شامل می‌گردید، اما به صورت مشخص این کلمه از سال ۱۹۴۸ م توسط دفتر مرکزی حزب ناسیونالیست کشور افریقای جنوبی به کار گرفته شد. اقلیت سفیدپوست با اجرای سیاست‌های غیر انسانی، جامعه‌های طبقاتی به وجود آورد. این سیاست در هفدهم ژوئن ۱۹۹۱ م لغو شد ولی مسأله تبعیض نژادی در بسیاری از کشورها که دارای نژادهای مختلف می‌باشند، همچنان اعمال می‌شود. (اخوان، ۱۳۹۷: ۱۴)

۲-۲. عوامل و مصادیق غربت‌زدگی در آثار الفیتوری

الفیتوری مبارزه با سیاست تبعیض نژادی در سودان را از وظایف خود می‌داند ولیکن در این مسیر تنهاست و فریاد و فغانِ درد و رنج سیاه‌پوستان میهنش به گوش کسی نمی‌رسد و گویا در میهنش غریب است.

دکتر حلیم برکات یکی از عوامل غربت زدگی را چیرگی و هیمنه دولت بر جامعه و فروپاشی جامعه مدنی می‌داند به گونه‌ای که هیچ کشور عربی را نمی‌بینیم که سرانش، سمتشان را از طریق دموکراسی یا با دخالت و انتخاب مردم عهده‌دار شوند. بلکه برعکس، دولتمردان و حاکمان جور، تنها از راه انقلاب‌های نظامی (کودتاها) و یا پشتیبانی نیروهای استکبار به قدرت می‌رسند. (راجع برکات، ۲۰۰۶ : ۶۰، ۶۱) این مسأله کاملاً در خصوص سودان و مردمان سیاه‌پوستش نیز صدق می‌کند.

در نظر فیتوری، شعر در سکوت زاده می‌شود و در سکوت هم می‌میرد، در اجتماع تنفس می‌کند و در عزلت احساس اختناق می‌کند. شعر مخلوقی است اجتماعی که در فضای نفسانی از تهی سرشار نمی‌تواند زنده بماند. (الفیتوری، ۱۹۶۶ : ۲۲)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

۲-۳. نمونه اول:

شاعر در شعر «تحت الأمطار» (زیر باران‌ها)، تصویری از زندگی هم‌وطنان سیاه‌پوست خود را در نهایت رنج، تبعیض و استثمار ارائه می‌دهد که از هویت و اصالتشان شرمسارند و شاعر در مسیر رهایی از چنین معضلاتی آن‌قدر خود را تنها و ناتوان می‌بیند که ناچار به تسلیم در برابر سیاست‌های غلط دولتمردان میهنش است. به گونه‌ای که دیگر امیدی برای رهایی از چنین وضعیتی ندارد.

فیتوری آن‌جا که ارابه‌رانِ سیاه‌پوستِ شرمسار و حرکت رنجورش را وصف می‌کند چنین می‌سُرایَد:

«ثُمَّ غَنّی سَوطُهُ الباکِی / علی ظَهرِ الخُیول. . / فَتَوَلَّت. . / و تَهاوَت. . / ثُمَّ سارَت فی ذَهول! / هکذا کانَ یُغَنّی المَوتُ حَولَ العَرَبَهْ / و هی تَهوی تَحتَ أمطارِ الدُّجی مُضطَرِبَهْ!» (الفیتوری، ۱۹ : الأعمال الشعریّهْ)

«و سپس تازیانه‌ی گریانِ او / بر پشت اسب‌ها، آهنگ خواندن گرفت. . / اسب‌ها بر خود پیچیدند. . / و به روی افتادند. . / و سپس بهت زده راه سپردند! / و بدین‌سان، مرگ در اطراف ارابه بانگ سر می‌داد / و ارابه زیر باران‌های تاریکی مضطرب بر می‌افتاد!»

۳. آرمانشهر و ضدآرمانشهر در اشعار فیتوری

«آرمانشهر، جامعه‌ای برین و والا که در آن، همه‌ی امور بر وفق مراد و مطابق میل باشد؛ جامعه‌ای که در آن، نه خبری از ظلم و تبعیض، نه اثری از جنگ و ستیز، و نه ردپایی از جهل و فقر و مرض یافت شود.» (حیدری، ۱۳۸۷ : ۱۱)

«هدف آرمانشهر فلسفی محکم گردانیدن پایه‌های حکومت وسیاست است که فیلسوفان در آن بهترین شرایط سیاست و حکومت‌داری را ارائه می‌دهند. همان‌گونه که آدم سالم و هماهنگ تعادل و تناسب به خرج می‌دهد، نشانه دولت با فضیلت نیز این است که هر کسی جایگاه خود را بداند.» (شمشادی، ۱۳۸۵: ۱۰۸)

فیتوری سیاست‌های حاکم بر کشورهای عربی و به طور خاص سودان را غلط می‌داند. این زنگی افریقایی در مصر با مردم احساس عدم تجانس می‌کرد. به خصوص وقتی که در بندر اسکندریه می‌زیست، بندری که سرشار از سفیدپوستان و ثروتمندان اروپایی است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۲۱)

فیتوری کلمه زندانبان را استعاره از سران سودان و زندانیان را استعاره از ملت سودان به کار گرفته است؛ این مهم ضدآرمانشهر تلقی می‌شود. آرمانشهر فیتوری جایی است که تبعیض نژادی و غم و اندوه مردمان سودان رخت بربسته است و همه با پایداری و مقاومت در برابر ظلم و تبعیض، گلبانگ پیروزی سرمی‌دهد. البته باید خاطر نشان کرد که با توجه به تعریف و مفهومِ آرمانشهر، تحقق چنین مدینه‌ی فاضله‌ای، محال به نظر می‌رسد و شاعر تنها برای تسکین درد خود، آن را متصور است:

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

«فلا السّجن و السّجّان باقی / و إذا الفجر جناحان یرفّانِ عَلیکَ / و إذا الحُزنُ الّذی کحّل تلک المآقی / و الّذی شدّ وثاقاً لِوثاق / و الّذی بعثرنا فی کل وادی / فرحهٔ نابعهٔ مِن کلّ قلبٍ یا بلادی» (الفیتوری، ۱۹: الأعمال الشعریّهٔ)

«به یُمن پیروزی دگر زندان و زندانبان نمانده / در این ایام، پیروزی، به سانِ یک پرنده به سوی سرزمینم پر گشوده / همه غم‌های مردم رخت بربسته / از این رو هر کسی دلشاد گشته برای آرزوهایش کمر بسته و به دیگر مردمانِ دلبسته پیوسته / همان کسی که در هر نقطه‌ای از سرزمین بر ما ندا می‌دهد / گلبانگی از (سویدای) هر دل «ای میهنم»»

نتیجه‌گیری

۱. محمد مفتاح الفیتوری که شاعری سیاه پوست و افریقایی است، در راستای مبارزه با سیاست‌های تبعیض نژادی و پایداری و مقاومت در برابر ستمگران، از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. فیتوری در کنار بن‌مایه‌های پایداری، به مضامین و پیامدهای دنیای مدرنیته نیز ورود کرده است. آرمان‌های ارزشمندی دارد ولیکن در راه تحققشان حتی در خاک خودش هم تنهاست.

۲. سیاست تبعیض نژادی به شدت در دنیای مدرن هم که همگان دم از دموکراسی می‌زنند، آزار دهنده است. مدرنیته با همه پیامدهای سوئش، باورهای سیاه‌پوستان هم‌وطنش را در زمینه اصالت و نژاد کمرنگ کرده و هویتشان را به چالش می‌کشد.

۳. فیتوری در اشعار خویش، آرمانشهری را برای میهنش در نظر دارد که حاکمان ظالم در آن حضور ندارند و سیاه پوستان دیگر به خاطر رنگ پوستشان، مورد تحقیر و تبعیض قرار نمی‌گیرند. چراغ امید در خانه همه افریقایی‌هایی که به دنبال رفاه و آسایش هستند، روشن باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

فهرست منابع و مآخذ

ـ الفیتوری، محمد (۱۹۷۰ م)، الدیوان، بیروت: دار العودهٔ.

ـ پایگاه خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵.

ـ سلیمانی، کامران، کریمی فرد، غلامرضا، داروندی، محمد، شیرزادی، زهرا (۱۳۹۵ ش)، کاوشی بر بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمد الفیتوری، سیویلیکا (ناشر تخصصی مقالات کنفرانس‌ها و ژورنال‌ها).

ـ سیدی، سیدحسین (۱۳۹۴ ش)، نزاع سنت و مدرنیسم در شعر معاصر عرب، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۶۴۶، چاپ اول.

ـ شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰ ش)، جوان و بحران هویت، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.

ـ شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷ ش)، شعر معاصر عرب، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم.

ـ گنجی، اکبر (۱۳۸۲ ش)، سنت و مدرنیته، تهران: بازتاب اندیشه، شماره ۳۸.

ـ مرادخانی، کیانا (۱۳۷۹ ش)، بررسی تاریخچه آرمانشهر و ضد آن، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۳۸.

ـ معروف، یحیی و نعمتی، فاروق (۱۳۹۲ ش)، سمبل‌های آرمانشهر در شعر معاصر عربی و فارسی، مجله علمی – پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۸.

ـ مور، تامس (۱۳۷۳ ش)، آرمانشهر (یوتوبیا)، ترجمه: داریوش آشوری و نادر افشار نادری، تهران: خوارزمی، چاپ دوم.

ـ هال، استوارت (۱۳۹۴ م)، استوارت هال و مسأله بحران هویت، فرهنگ رسانه، سال چهارم.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]